

آينه

یادداشت: «تاریخ در انتظار عکسی به یادماندی»

سال ۲۰۰۱ میلادی به‌عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها در جهان نشانگر حضور فعال ایران در عرصه دیپلماسی بود... برنامہ‌ریزان- و سیاستمداران آمریکایی ترتیبی داده بودند که در هنگام عبور سران بعضی کشورها از جمله ایران و کوبا به سمت محل عکس دسته‌جمعی شرایطی فراهم شود تاامکان مصافحه آنها با کلیتون فرام فراهم شود. اصحاب رسانه خرسند از به ثبت رساندن چنین تصویری منتظر اتفاق دوم بودند. قبل از اینکه محمد خاتمی با عیای شکلاتی اش پا در راهروی ارتباطی بگذارد توسط دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در جریان آنچه برایش تدارک دیده‌اند قرار می گیرد و او که از پیام‌ها در تهران در صورت رخ دادن این واقعه مطلع است، پا پس می کشد. در قاب عکس سران در اجلاس ۲۰۰ جای رئیس جمهوری ایران خالی است؛ عکسی که به عنوان یکی از بی‌تغییر ترین و تاریخی‌ترین عکس‌های خبری معروف است و در دو صفحه لایه تمام روزنامه‌های مهم دنیا منتشر شد. آیا در این سفر سوزه یکچهه پیش عکسلان به تصویر کشیده خواهد شد؟ این سوالی است که گویا به جز ایرانیان و آمریکایی‌هاذهن بسیاری از ساکنان این کره‌خاکی را به خود مشغول کرده است.

انتظار

یادداشت: «شروعی برای ایران و آمریکا

ورای آرزوها؛ علی خرم

طبیق ارزیابی همه صاحب‌نظران بین‌المللی، ایران و آمریکا در روزهای سرنوشت‌سازی قرار گرفته‌اند. نکته‌ای که آقای اوپاما و بسیاری از دولتمردان این کشور را به اشتباه انداخته و بعضا تکرار می کنند، این است که فکر می کنند آمادگی آقای دکتر روحانی برای مذاکره و تنش‌زدایی از روابط ایران و آمریکا حاصل اعمال تحریم‌های آمریکا و اروپا است، که یقینا ناصحیح است. درست است که تحریم‌ها تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد ایران گذاشته، ولی سوءمدیریت در دولت قبلی در همه ابعاد باعث شد تحریم‌ها نمود پیدا کنند و این معضل توسط دولت آقای دکتر روحانی به تدریج مرتفع و جایگاه واقعی تحریم‌ها به زودی روشن خواهد شد. لذا مناسب است آقای اوپاما به دلایل واهی دل نبندد و برعکس شرایط حاضر بین دو کشور را به یک فرصت تاریخی تبدیل کند.

کیم

سر مقاله: «دست می‌دهند که پشت پا بزنند»؛

محمد ایمانی

فرض محال که محال نیست. گیریم که دست پاک رئیس‌جمهور ما برای لحظاتی در دست چندی و خوین باراک‌اوباما قرار بگیرد. آن‌گاه ما چه به دست آوردیم و چه از دست دادیم؟ ... دستی که از سوی اوپاما احوال‌وسط یکی از راهروهای سازمان‌ملل با سر میز ضیافت ناهار پان‌کی‌مون به سوی منتخب ملت ایران دراز شود، دست یک چیکناپیکر به تمام معناس، این دست- با واسطه یا بی‌واسطه- همان گونه که حمله خرابکاران ویرانگری به تاسیسات هسته‌ای و به خاک و خون کشیدن دانشمندان برجسته ایرانی (شهیدان احمدی‌روشن، شهرپرای، علی‌محمدی و...) را با قساوت تمام امضا کرد، همان مستستی است که اعمال مجازات‌ها و تحریم‌های گزنده علیه ملت ایران و سخت گرفتن زندگی بر آنها را امضا کرده و از آستین شیطان بیرون آمده، اگر که خود دست شیطان نباشد. فشردن چنین دستی -ولو در حد چند لحظه با تاریخ مصرف ژورنالیستی کوتاه- مساوولیت سنگینی را بر دوش دکتر روحانی می‌افکند، همچنان که یک امتیاز بزرگ و باور نکردنی و بی‌هنگام برای شیطان بزرگ است... هدف از نرمش قهرمانانه انداختن توپ در زمین حریف -به واسطه رو کردن دست غدار و قفلون شکن او- است و نه فراهم کردن فرصت دست‌درازی وی با زدن گل به دروازه خودی... شاید یک معنای نرمش قهرمانانه همان مفهوم «کر و فر» در جنگ به عنوان تاکتیک رزم‌آوری است. اگر نه، قرار و مقصدبینی محض که نمایش رزمندگی و قهرمانی و دل‌آوری نیست، بلکه چنین کسانی مورد تنگی و غضب الهی اند.

سار

سر مقاله: «قهر با آمریکا»؛ محمد کاظم انبارلویی

روزنامه‌های زنجیریه‌را به گونه‌ای یکصدا در چند بلندگو، چندی است به بهانه سفر رئیس‌جمهور به آمریکا اشتیاقی ژانبدلوصفی برای برقراری ارتباط یا گفت‌وگو با آمریکا نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد این اشتیاقی مغایر اقتدار و عزت‌ملت ایران است. آنها سعی می‌کنند سفر رئیس‌جمهور به آمریکا برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل را به مذاکره یا با آمریکا فروکاهند و تلاش می‌کنند کلهش قیمت ارز و طلا را به آن مربوط کنند. این حرکت به‌منظور شرطی کردن اقتصاد ایران که یکی از اهداف نبرد نرم اقتصادی آمریکا علیه ملت ایران است صورت می‌گیرد. آمریکایی‌ها با اسلام مساله دارند. هروقت ما از اسلام کمی فاصله می‌گیریم، امیدواری‌هایی در آنها پیدا می‌شود اما به محض اینکه روی میانی الهی و اسلامی نظم و انقلاب تأکید می‌کنیم، دست آنها روی ماشه اقدام می‌زود. روی میز مذاکره با آمریکا دو گزینه بیشتر وجود ندارد: ۱- جنگ -تسلیم.

جمهوری اسلامی

نامی از فرمانده جنگ نیست

امسال نیز هفته دفاع‌مقدس در حالی آغاز شده است که نیمی از فرمانده جنگ نیست. خیزنگار روزنامه جمهوری اسلامی از مشهده خبر می‌دهد در تریبون‌ها، نمایندگان‌ها و مطبوعات محلی هیچ اشاراتی به نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به عنوان جانشین امام و فرمانده جنگ در هشت‌ساله دفاع‌مقدس نمی‌شود. این وضعیت، چند سال است که در صاوسیمای نیز دنبال می‌شود، کاری که نوعی تحریف تاریخ است.



کبهان بزرگ

این روزها احتمال دست‌دادن با ملاقات اتفاقی دکتر روحانی با بساراک اوپاما رییس‌جمهوری آمریکا به‌عنوان یک واقعه تاریخی یاد می‌شود. صرف‌نظر از جنبه رسانه‌ای این موضوع در اتصال آن به روابط ایران و آمریکا، چنین حرکتی باید از زاویه تقویت اقتدار ملت ایران در صحنه روابط بین‌المللی در نظر گرفته شود. این موضوع در جوامع ایران و آمریکاموافقان و مخالفان خود را دارد. در ایران، موافقان این اتفاق را برای نشان‌دادن گفتمان اعتدال و خواست ملت ایران برای تعامل با جامعه بین‌المللی از جمله آمریکا مهم می‌دانند. مخالفان هم اینگونه حرکت‌ها را نشانهگر ضعف

پیروزی روحانی در دیپلماسی عمومی



احمد شیرزاد

دیپلماسی عمومی موفق باز خواهد گشت و قادر خواهد بود پس از سخنرانی خود زمینه افکار عمومی غرب را برای سازش با ایران آماده کند چراکه پس از این سخنرانی افکار عمومی آمریکا به راحتی نمی‌پذیرند که مردم ایران ملتی باشند که هر روز در معرض تهدید و فشار قرار گیرند. قطعاً روحانی در این سفر به حداقل‌های اهداف خود دسترسی پیدا خواهد کرد. پیام روشن مقاله سیدمحمد خاتمی این است که اگر غرب بخواهد به روحانی روی ترش نشان دهد و فکر کند هم‌اکنون زمان امتیازگیری است و گفتمان روحانی تا زمانی نامحدود گفتمانی قالب خواهد بود دچار اشتباه بزرگی شده است چراکه اگر روحانی دست خالی به کشور بازگردد و غربی‌ها مقابل چهره آشتی‌جوانه ملت ایران قیافه عبوس از خود ترسیم کند در داخل موجب تقویت گفتمان افراطی و تضعیف گفتمان اعتدالی روحانی ی... را به حساب این نمی‌گذارند که روحانی در شکاری که بیان کرده است تنهاست و هیچ‌کس در حمایت از او نیست، آنها به خوبی به آرایش نیروهای داخل کشورمان واقف هستند. نباید نگران این باشیم که افراطیون داخل چه مطالبی را مطرح می‌کنند این طبیعت سیاست در هر کشوری است که ما نیز باید آن را به رسمیت بشناسیم. اگر روحانی حتی در عرصه دیپلماسی نیز نتواند نتیجه بگیرد و تحریم‌ها به قوت خود باقی بماند اما قطعاً وی در عرصه

منبع:ایلنا

سیاست

از پشت عینک اوباما

ایران و به‌طور کلی بی‌فایده می‌دانند که تأثیری بر عملکرد منفی آمریکا نسبت به کشورمان نخواهد داشت. همین‌گونه بحث‌ها در جامعه آمریکایی هم مطرح است. جالب است بدانیم اکنون که ایرانی‌ها به نوعی خواهان تعامل هستند، لایه‌های داخلی ساخت قدرت محافظه‌کار آمریکا در حوزه رسانه‌ها، روشنفکران و استراتژیست‌ها سعی می‌کنند که با بدبینی به موضوع بنگرند و اینگونه نشان دهند که اتفاقاتی از این قبیل تأثیر مثبتی بر عملکرد آمریکا در اعمال تحریم‌ها و تداوم فشار سیاسی علیه ایران نخواهد داشت. آنها به‌طور ضمنی می‌گویند که ایران باید رویکرد جدید خود در صحنه بین‌المللی را در عمل و نه صرفاً رفتار نشان دهد. بنابراین اگر موضوع را از یک نگاه آمریکایی ببینیم، اوپاما نیز در وضعیت



امیر محبیان

بحث فرآیند مذاکره ایران و آمریکا بسیار حساس است و منافع ملی اقتضا می‌کند تا در این شرایط، به گونه‌ای حرکت نشود که اشتیاقی از سوی ایران یسا مقام‌های ایرانی یا افکار عمومی ایران به جهان منتقل شهود، این شکل از جودرگی برای برقراری رابطه، هزینه زیادی برای کشور به دنبال خواهد داشت. دیدار احتمالی آقای روحانی با آقای اوپاما یا دست‌دادن و گفت‌وگو نباید آنچنان مهم شمرده شود که بابت همین دیدار هم مجبور شویم هزینه‌های سنگینی پرداخت کنیم. واقعیت این است که دولت آمریکا به دلیل شرایط منطقه‌ای منطقه‌ای مذاکره با ایران است و ایران ثابت کرده عدم مذاکره یا رابطه‌اش کشنده نیست و حتی زمینه‌های استقلال سیاسی-اقتصادی برای کشور فراهم شده است. متأسفانه در بین رسانه‌های خودی نوعی افزایش توقع و شادمانی بی‌جهت احساس می‌کنم که در جهت منافع کشور نیست. وجود اشتیاق آمریکایی‌ها بسرای مذاکره

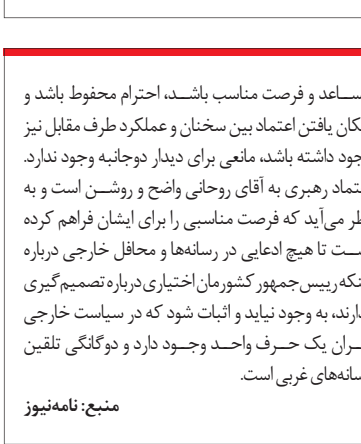
ن باید عجله کرد

مناسب در قبال آمریکا در شرایط کنونی پدید آمده است که انتظار می‌رود با رویکرد عقلانی به آن نگاه کرده و از آن استفاده شود. نیروهای تندرو در آمریکا و رژیم صهیونیستی همیشه بودند و هستند، مهم این است که کشورهایی که حامی منافع کشورهاشان هستند بتوانند در موقع مناسب تصمیم‌گیری کنند و نتیجه حاصل شود. ایران همچنان که ۲۰ سال صبر کرد و از منافع خود یک قدم به عقب نگذاشت عملیاتی نیز در این‌باره ندارد، اما اگر شرایط

رژیم اسرائیل نسبت به تقویت مواضع منطقه‌ای ایران دارد. همچنین می‌تواند روسیه و چین را به ایران نزدیک‌تر کند تا از مواضع گاه‌ا بیباینی و منفعلانه خود مثلاً در مذاکرات هسته‌ای در قالب گروه ۵+۱ خارج شوند. به عبارت دیگر، این مساله خود می‌تواند به‌عنوان یک فرصت تلقی شود. در صورت چنین اتفاقی این مساله نه‌تنها از زاویه روابط دوجانبه ایران و آمریکا که البته پیچیدگی‌های خاصی خود را دارد، بلکه از زاویه اقتدار ملت ایران در صحنه روابط بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. دکتر روحانی اکنون نماینده ملت ایران در سازمان ملل متحد است. ملاقات با سران کشورهای مهم دنیا و گفت‌وگو از موضع برابر» به نوعی نمایانگر اقتدار ملت ایران در صحنه بین‌المللی است. همان‌گونه که ملاقات دکتر روحانی با پوتین رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس اخیر شانگهای و مذاکره بر روی منافع مشترک دو کشور در منطقه و جهان نشان از اقتدار ملت ایران بود.

دیدار و دست‌دادن آنقدرها مهم نیست

متأسفانه دیدن برخی از واکنش‌ها در داخل، موجب شده تا آمریکا نسبت به شرط‌گذاری فعال شده و بخوادند حداکثر امتیاز را بگیرند. باید نظام رسانه‌ای کشور کاملاً هوشمندانه عمل کرده و به دولت پاری رساند تا حداکثر امتیاز از مذاکرات به دست آید. دولت و دست‌اندرکاران آن به خوبی سیاست رسانه‌ای مناسبی برای این فرآیند مهم و پیچیده در نیویورک در پیش خواهند گرفت و از همین رو معتقدم مدیریت توقعات و انتظارات در داخل و خارج از کشور از اولویت بسیار زیادی برخوردار است که فعلاً مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند معتقدم دیپلماسی ما در این زمینه به شکل حرفه‌ای صورت می‌گیرد، اما این مشتاقانمایی در عمل به آنها صدمه خواهد زد. تمام رسانه‌های کشور با هر گرایش‌سی باید از موضع استغنا برخورد کرده و خارج از کشور به وجود نیاید و آفات شود که در سیاست خارجی از کشور به وجود نیابوند. به گمانم معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد و نهاد اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری باید به سرعت در این زمینه استراتژی ضریبی را طراحی و این چند روز آینده را مدیریت کنند تا دیپلماسی ما بتواند منافع ملی را مطابق شأن ایران و انقلاب اسلامی تحقق بخشد.



سیدعلی طباطبایی‌پناه

● جهان امروز جهان واقعیات است و خیالات و اوهام در صورت‌بندی آن جایی ندارد. مگر ما می‌توانیم خیال و وهم خود را بر تن واقعیت بیوشناسیم. اما قامت واقعیات با قدوقواره وقایع پوشیده می‌شود و نه با قامت وهم و خیال ما. سفر دکتر روحانی و تیم همراه به نیویورک یا باید یک نقطه‌عطف در تاریخ ۳۵ساله کشور دانست. سفر از آن جهت پراهمیت است که می‌توان آن را آغازی دوباره برای دیپلماسی دانست، دیپلماسی‌ای که واقعا دیپلماسی است و عاجرجوایی، فردگرایی، ذهنی‌گرایی، شکل‌گرایی، عام‌گرایی و توده‌گرایی در آن جای ندارد. دیپلماسی‌ای که اصول آن مبتنی بر تدبیر، تدلوم، تعادل، تفاهم، تبادل و تکامل باید باشد و اگر هم مصافحه یا مذاکره‌ای میان آقایان روحانی و اوپاما صورت گیرد، آن متفاوت‌تر به نظر می‌رسد ولی اصل مطلب جای دیگری نهفته است. اصل مطلب اینجاست که این سفر و مذاکره را یک وضعیت (situation) باید بدانیم یسا یک روند (trend). تمایز و تفاوت اینن دو مفهوم می‌تواند ما را به پیش‌بینی آینده، درک عمیق‌تر و دقیق‌تر پیچیدگی‌های دیپلماسی، سوبه تحولات و آن‌سوی وقایع رهنمون کند. اگر آغاز پرسشور دیپلماسی در دولت تدبیر و امید یک وضعیت باشد، مطمئنا این وضعیت تداوم نخواهد داشت. حتی اگر شتاب درونی و برونی آن غیرعادی و فوق‌العاده به نظر برسد.

این سفر اگر فقط بیانگر یک وضعیت باشد یعنی که درخصوص آینده آن میان نخبگان کشور اجماع نشده و مراکز قدرت هنوز درخصوص شرایط موجود و مختصات آن به درک واحدی نرسیده‌اند، وضعیت یعنی این مذاکرات قلیلت تداوم ندارد، راهبردی نیست و تغییر در رفتار در هدف نگرفته است. در حالی که اگر این سفر را یک روند یا آغازی بر یک روند بدانیم درک ما از واقعیات متفاوت خواهد شد. اگر سفر روحانی به نیویورک با چنین دامنه‌ای می‌دهد که درک نخبگان کشور از شرایط موجود به یکدیگر نزدیک شده و شکل‌گیری اجماع بین آنها بسیار محتمل است. در این حالت تداوم، مولفه مهم این روز خواهد بود. این روند یعنی نگاه به دیپلماسی دکتر روحانی و سفرر به نیویورک، راهبردی و بلندمدت است و آغازی بر یک راه است حتی اگر طولانی باشد. اما شما چه می‌اندیشید؟ دیپلماسی روحانی در نیویورک تنها یک وضعیت است یا آغاز یک روند؟ بزرگی می‌گوید جهت حرکت، بر خود حرکت تقدم دارد. اگر سخن پرعزم این بزرگ را بپذیریم، وضعیت دانستن سفر روحانی به نیویورک فقط آغاز یک حرکت به‌حساب می‌آید، در حالی که روندی نداشتن این سفر به‌معنای اولویت‌دادن به جهت است. اگر سیابت را در عالی‌ترین مرتبه و شکل خود «تدبیر تداوم» تعریف کنیم، انتظار منطقی ما روندی‌نداشتن این سفر است چرا که اگر فقط این سفر صرفنظر از «ملاقات‌ها، مصافحه‌ها و مذاکرات» یک وضعیت باشد، دیگر مستمر نخواهد بود و راهی طی نخواهد شد.

نگاه

«کود مورنینگ»

حلال مشکلات نیست



سیدرضا اکرمی

● نگاه ما درباره ارتباط با آمریکا مثل کشورهای دیگر بر اساس احترام و منافع متقابل است. ما پیشقدم قطع رابطه با آمریکا نبودیم. حالا هم اگر درصد برآمدند تا ارتباط وصل شود ما می‌پذیریم چرا نپذیریم. اما اینکه منتظر باشیم بعد سی‌وپنجاه سال، یکمرتبه یخ‌های رابطه آب شود کمی شتابزده است. الان پیش‌بینی می‌شود اگر وزیر خارجه ایران و آمریکا بنشینند باهم صحبت کنند توافق حاصل شده است. برخی گفته‌اند اگر روحانی با اوپاما مواجه شد و مصافحه کردند برای آب شدن یخ‌های رابطه کافی است. زمانی است که آنها بهانه‌گیری می‌کنند خب ما هم نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم. حکمت، عزت و مصلحتی داریم، اگر عزت و حکمت و مصلحت ما ایجاب کند که رابطه رئیس‌جمهور روسیه در نیویورک تا حداکثر امتیاز از مذاکرات به دست آید. دولت و دست‌اندرکاران آن به خوبی سیاست رسانه‌ای مناسبی برای این فرآیند مهم و پیچیده در نیویورک در پیش خواهند گرفت و از همین رو معتقدم مدیریت توقعات و انتظارات در داخل و خارج از کشور از اولویت بسیار زیادی برخوردار است که فعلاً مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند معتقدم دیپلماسی ما در این زمینه به شکل حرفه‌ای صورت می‌گیرد، اما این مشتاقانمایی در عمل به آنها صدمه خواهد زد. تمام رسانه‌های کشور با هر گرایش‌سی باید از موضع استغنا برخورد کرده و خارج از کشور به وجود نیاید و آفات شود که در سیاست خارجی از کشور به وجود نیابوند. به گمانم معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد و نهاد اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری باید به سرعت در این زمینه استراتژی ضریبی را طراحی و این چند روز آینده را مدیریت کنند تا دیپلماسی ما بتواند منافع ملی را مطابق شأن ایران و انقلاب اسلامی تحقق بخشد.